

حقوق بشر برای همه

(۳)

حق محوری در توسعه



خانه فرهنگ و توسعه پایدار

نوری، نشاط، سعید، ۱۳۴۱ -
حق محوری در توسعه / سعید نوری نشاط -- تهران: برگ زیتون: ۱۳۸۴.
۹۶ ص. مصور. -- (حقوق بشر برای همه: ۳)
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیفا.

۱. حقوق بشر. ۲. سازمان ملل متحد. عمران. ۳. حقوق بشر --
ایران. الف. عنوان. ب. فروست: حقوق بشر برای همه: ۳.
ج ۷. ۵۷۷/۹ JC
۳۴۱/۴۸
ج ۲

کتابخانه ملی ایران ۱۶۳۲۳-۸۴ م



حقوق بشر برای همه (۳): حق محوری در توسعه

- مؤلف: سعید نوری نشاط
- ناشر: برگ زیتون و خانه فرهنگ و توسعه پایدار
تهران، صندوق پستی ۶۶۱۹-۱۵۸۷۵
- چاپ اول: ۱۳۸۵ / تعداد: ۳۰۰۰ نسخه
- تصویرگر: صالح تسبیحی
- صفحه آرائی: رویا مختارنژاد
- چاپ: پیکان / صحافی: امین
- شابک ۵-۸۵-۵۶۸۱-۹۶۴
- شابک دوره: ۳-۸۶-۵۶۸۱-۹۶۴
- حق چاپ محفوظ است.

• مرکز پخش: مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ، تلفن: ۴۸ ۸۱ ۴۳ ۶۶

• پست الکترونیکی: olive@neda.net

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۹.....	کار گروهی اول: مقصر کیست؟
۳۷.....	کار گروهی دوم: ناظران کجا هستند؟
۴۱.....	کار گروهی سوم: حق توسعه یعنی چه؟
۵۱.....	کار گروهی چهارم: حق مداری در برنامه ریزی
۶۳.....	کار گروهی پنجم: سازمان های غیردولتی و حقوق بشر
۷۹.....	منابع
۸۱.....	ضمیمه یک: اعلامیه حق توسعه
۸۷.....	ضمیمه دو: اهداف توسعه هزاره: توسعه انسانی و حقوق بشر

مقدمه

پس از کتاب اول و دوم که به مفاهیم پایه و اعلامیه جهانی حقوق و نیز میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و برخی مفاهیم مرتبط می پردازد، کتاب سوم به صورتی منسجم و به هم پیوسته با کتاب های اول و دوم مفاهیم دیگری را در همان راستا مطرح می سازد که در مجموع تحت عنوان رویکرد حق مداری بررسی می شود. در این مقدمه تلاش می شود که چارچوب کلی این رویکرد باز شده و سپس در طی پنج کار گروهی بتدریج مفاهیم به شکلی عملی برای درک بهتر رویکرد حق مداری به کار گرفته شود.

فهم و درک حقوق بشر

حقوق بشر در واقع حقوقی قانونی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اسناد و کنوانسیون های متعدد بین المللی، اسناد منطقه ای و قوانین اساسی اغلب کشورها درج شده اند. اما حقوق بشر چیزی بیش از قواعد حقوقی است. حقوق بشر تنها حقوق نیستند، بلکه در سرشت انسان نهفته است. آنها معرف ماهیت و هویت انسانی همه ماست. این حقوق به وجود آمدند تا حیات انسانی همه افراد را تضمین کنند. این حقوق ایجاد شدند تا مانع از وقوع «کردارهای نادرست و غیر انسانی» شوند. اهمیت حقوق بشر که شامل یک سلسله ارزش ها، اصول و استانداردهایی برای حمایت از حقوق همه افراد است، در این نکته اساسی قرار دارد که مجموعه ای از حقوق است که معنای آن در «حق بر انسان بودن» نهفته است و این حقوق ناشی از کرامت و حیثیت ذاتی انسانها است. بنابراین حقوق بشر از هویت و ماهیت انسانی همه ما دفاع می کند. حقوق بشر از تمامیت جسمانی شخص و هم از امنیت انسانی او حمایت می کند.

باید همچنین درک کرد که حقوق بشر محور و پایه اصلی دستیابی به رفاه انسانی است. در واقع باید درک کرد که بهره‌مندی از حقوق بشر میان «هست» و «باید» تفاوت ایجاد می‌کند. در این صورت می‌توان گفت که حقوق بشر می‌تواند به عنوان یک سلسله ارزش برای هدف‌گذاری و ارزش‌گذاری استفاده شود.

باید درک کرد که حقوق بشر یک مجموعه به هم پیوسته است؛ هم فردی است و هم جمعی. در واقع زندگی همه افراد بر پایه و در نتیجه تعاملات فردی، خانوادگی، گروهی و به عبارتی اجتماعی است.

مفاهیم کلیدی حقوق بشر

با توجه به مفاهیمی که مطرح شد، می‌توان اصول زیر را فهرست کرد:

- حقوق بشر جهانی، غیر قابل تجزیه، به هم پیوسته و در ارتباط با یکدیگر است.

- حقوق بشر برای عموم و جهان شمول است. همچنان که گفته می‌شود همه حقوق بشر برای همه، در تمام کشورها، مذاهب و تمدنها حقوق بشر برای همه افراد انسانی و آحاد مردم وجود داشته و دارد.

- حقوق بشر تفکیک‌ناپذیر است. حکومت‌های دیکتاتوری که در برخی از نقاط دنیا وجود داشته و دارند بین آزادی و نان تفاوت قائل می‌شوند. آنها استدلال می‌کنند: اول نان، بعد آزادی. اما پس از مدتی هیچ یک را تضمین نمی‌کنند. در جوامع ما نان در برابر آزادی نیست. بدون نان اعمال آزادی امکانپذیر نیست و بدون آزادی، نان پایدار نیست.

- حقوق بشر به هم پیوسته و بهم مرتبط است. یعنی حق بر غذا با حق بر کار کردن، حق برخورداری از بهداشت و خدمات تأمین اجتماعی و از همه مهم‌تر با حقوق زنان مرتبط است. حق بهره‌مندی از مسکن مناسب یک نمونه خوب است زیرا آنچه که مفهوم مسکن مناسب را روشن می‌سازد، عوامل حقوقی به هم مرتبط نظیر دستیابی به شغل، دسترسی به خدمات اساسی، دریافت مراقبت‌های بهداشتی و... می‌باشد. حقوق خاصی مانند «آزادی از تبعیض» پیش شرط اولیه برخورداری از چند حق بشری دیگر است.

باید دقت کنیم که به هم پیوستگی حقوق بشر، مانع اولویت‌بندی در فعالیت‌های حقوق بشری نمی‌شود.

وظایف مرتبط با حقوق بشر

برای اجرای حقوق بشر یک سلسله وظایف باید انجام شوند:

- اولین وظیفه «احترام گذاشتن» است که جلوگیری از مداخله دولت یا شخص ثالث در بهره‌مندی از یک حق را می‌طلبد.
- دومین وظیفه «حفاظت از حقوق بشر» است، که ممانعت از بروز موارد نقض این حقوق را توسط دولت یا هر شخص دیگری مقرر می‌کند.
- سومین وظیفه «ارتقاء حقوق بشر» است که باعث افزایش آگاهی عموم نسبت به این حقوق می‌شود و رویه‌هایی برای حمایت از این حقوق مقرر می‌کند.
- چهارمین وظیفه «تحقق» است که مقرر می‌کند دولت اقدامات مناسبی را برای تحقق کامل این حقوق انجام دهد.
- پنجمین وظیفه «جبران» است به این مفهوم که در صورت نقض حقوق بشر برای جبران غرامت، سازوکارهای موثری پیش‌بینی شده باشد.

این وظایف هم مثبت (ایجابی) و هم منفی (سلبی) هستند. به‌طور مثال دولت‌ها از طریق قانونگذاری تلاش می‌کنند که از نقض حقوق ممانعت به عمل آورند یا در جهت ایجاد یک نهاد نظارتی اقدام کنند تا این حقوق رعایت شوند. به این ترتیب دولت‌ها سعی می‌کنند که حقوق بشر را نهادینه سازند.

برخی از وظایف باید به سرعت در دستور کار قرار گیرد. برخی دیگر نیازمند طی مراحل تدریجی است. تعهدات دولت‌ها هم تعهد به عمل است و هم تعهد به نتیجه. برای مثال تعهد صرفاً به قانونگذاری در مورد اختصاص یک سوم از کرسی‌های مجلس به زنان تعهد به یک عمل است در حالی که واگذاری پست‌های سیاسی به زنان نتیجه آن است و باید نسبت به آن نیز تعهد وجود داشته باشد.

به طور کلی این مسئولیت‌ها بر دوش دولت‌ها است. با این وجود در حال حاضر بازیگران دیگری هم به این عرصه پیوسته‌اند که مسئولیت‌های این چنینی را به عهده دارند مانند نهادهای ملی حقوق بشر یا سازمان‌های غیردولتی.

اصول حقوق بشر در برنامه‌ریزی‌های توسعه

اصولی مانند اصل مشارکت، اصل عدم تبعیض و حاکمیت قانون دارای اهمیت دوچندان در برنامه‌ریزی‌های توسعه هستند زیرا تنها در این صورت رعایت حقوق بشر تضمین می‌شود.

اعلامیه حق توسعه بر اصل مشارکت افراد در توسعه به‌عنوان انسان‌های آزاد، فعال و هدفمند تأکید نموده است. این اعلامیه مشارکت را هم به عنوان ابزار تو مشارکت هم هدف آن در نظر گرفته است. اعلامیه همچنین بر اصل عدم تبعیض و شرکت برابر در منافع ناشی از برنامه‌های توسعه صحنه گذارده است. این اصل توجیه هدف‌گذاری برنامه‌های توسعه‌ای را دستیابی به بیشتر نیازها و خواسته‌های کسانی که در حاشیه قرار گرفته‌اند و محروم شده‌اند، می‌داند.

همچنین اعلامیه بر اصل حاکمیت قانون تأکید دارد، اصلی که ارتباط بسیار مهمی با برنامه‌های دولت‌ها دارد. اعلامیه تصریح می‌کند که هیچ‌کس فراتر از قانون نیست، همه افراد در برابر قانون برابرند و به طور مساوی از حمایت قانون برخوردارند و در مقابل تضییع هر حقی جبران خسارت وجود دارد. بنابراین حق بر جبران خسارت فوری و مؤثر به همراه سایر حقوق فوق‌الذکر در برنامه‌ریزی بخش‌های حقوقی و قضایی دولت‌ها از اهمیت دو چندان برخوردار است.

حقوق بشر مجموعه حقوقی پویا است. به نحوی که فضای این حقوق در طول زمان تغییر می‌کند، دولت‌ها می‌توانند همچنین فضای حقوق بشر را از طریق ایجاد جنبه‌های مختلف یک حق گسترش دهند.

اسناد حقوق بشری

شاید بزرگ‌ترین دستاورد سازمان ملل متحد در حیطه حقوق بشر مجموعه‌ای از قوانین بین‌المللی حقوق بشر است که حاصل سال‌های متمادی فعالیت قانونگذاری است. بنیان اصلی این مجموعه حقوقی بین‌المللی، لایحه بین‌المللی حقوق بشر به همراه چهار جزء اصلی آن یعنی منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین است. در بررسی اسناد حقوق بشر، دو طبقه قابل تفکیک می‌یابند (هر چند دسته‌بندی‌های دیگری نیز صورت گرفته است):

- اسناد عمومی
- اسناد منطقه‌ای

اسناد عمومی معمولاً مشتمل بر دامنه‌ای وسیع از حقوق بشر هستند. هر چند این اسناد بخشی رسمی از اساسنامه سازمان‌ها و مؤسسات بین‌المللی به حساب نمی‌آیند، در مفهومی کلی‌تر از نظم‌ی اساسنامه‌ای بر خوردارند و به حکومت قانون در همکاری‌های بین‌المللی در درون سازمان ملل متحد یا ساختارهای منطقه‌ای محتوا می‌بخشند. برجسته‌ترین این اسناد عبارتند از «منشور سازمان ملل متحد»، «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (۱۹۴۸) و «میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی» (۱۹۶۶).

از جمله اسناد منطقه‌ای نیز می‌توان به «میثاق اروپا برای حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» (۱۹۵۰) اشاره نمود.

فهرستی از اسناد حقوق بشری به شرح زیر است: (این فهرست کامل نیست و آمار کشورهای عضو در این کنوانسیون‌ها تا تیر ۱۳۸۴ است.)

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۵۴ کشور)؛
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۵۱ کشور)؛
- کنوانسیون بین‌المللی امحای همه اشکال تبعیض نژادی (۱۷۰ کشور)؛
- کنوانسیون ضد شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیر کننده (۱۳۹ کشور)؛
- کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۲ کشور)؛
- کنوانسیون بین‌المللی امحای همه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۸۰ کشور)؛
- کنوانسیون بین‌المللی حفاظت از حقوق تمام کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها (۳۰ کشور).

استانداردهای حقوق بشری

هر سند حقوق بشری شامل مجموعه‌ای حق‌هایی است که در آن سند مورد حمایت قرار گرفته است. تعریف قانونی هر حق در سند آمده است که به عنوان استاندارد حقوق بشری به آن اشاره شده است.

به طور مثال برخی از استانداردهای مندرج در کنوانسیون حقوق کودک به شرح ذیل اند:

- آزادی از تبعیض
- حق آموزش
- آزادی بیان و عقیده و تشکیل اجتماعات
- آزادی فکر، وجدان و مذهب
- آزادی از شکنجه و رفتار یا مجازاتهای بیرحمانه و تحقیرآمیز
- آزادی از بازداشت خودسرانه و غیر قانونی
- حق برخورداری از یک محاکم منصفانه
- حق حمایت برابر در برابر قانون
- رهایی از مداخله در زندگی شخصی، خانواده و مکاتبات خصوصی
- حق داشتن نام و تابعیت
- حق دادن رای و مشارکت در اداره امور کشور
- حق حیات، آزادی و امنیت شخصی
- حق دستیابی به استانداردهای بالای جسمی و روانی
- حق دسترسی به کار در شرایط مساوی
- حق دسترسی به غذا، پناهگاه، پوشاک و امنیت اجتماعی
- حق مشارکت در زندگی فرهنگی

گاه استانداردهای حقوق بشری می‌توانند در قالب یک زبان غیر حقوقی نیز بیان شوند. به این ترتیب حقوق بشر را به زبان بسیار ساده به کار می‌برند که برای همه قابل درک باشد. در این صورت ممکن است که یک سازمان غیردولتی در اشاره به برخی از حقوق بشر چنین بنویسد که هر فرد حق بنیادینی بر موارد زیر دارد:

- غذای کافی
- آب پاکیزه
- معیشت
- مسکن
- تحصیل
- هوای پاک

- حمایت در برابر خشونت
- برابری فرصت ها
- آینده روشن

در این حالت، سازمان های غیردولتی از دولت ها می خواهند که این حقوق بنیادین را محقق و حفظ نمایند. هر چند ممکن است در اشاره به این موضوعات از مواد اسناد حقوق بشری که به این موارد اشاره دارند استفاده کنند. در این حالت، از زبانی استفاده می کنند که برای مردم قابل فهم است.

حمایت، ترویج، و تحقق حقوق بشر: دیدگاههای تکمیل کننده

در انجام وظایف حقوق بشری (حوزه کنش حقوق بشری)، اصولا دو دیدگاه عمده وجود دارد. دیدگاهی که مبتنی بر واکنش است و دیدگاهی که مبتنی بر پیش کنش است. اصولا واکنش زمانی شروع می شود که یک حق نقض می گردد یا روند گسترده ای از نقض یک حق بشری وجود دارد. برای مثال اگر در کشوری به طور پیوسته افراد زندانی شکنجه شوند، در این حالت یک نقض حقوق بشر رخ داده است. برخی از سازمان های غیردولتی که اصولا به صورت واکنشی عمل می کنند نسبت به این نقض حقوق بشر عکس العمل نشان می دهند و از طریق به کارگیری سیاست های لازم در جهت توقف ادامه نقض اقدام می کنند.

ممکن است گاه واکنش به صورت به کار گیری 'سیاست شرم' باشد و گاه ممکن است به صورت تمرکز بر 'ترغیب ناقض' به پرداخت خسارت باشد. گاه ممکن است که یک سازمان حقوق بشری به دنبال 'توانبخشی قربانی' باشد و از این طریق به او کمک کند یا او را به گونه ای مورد حمایت قرار دهد که بتواند به زندگی عادی خود بازگردد. در این دیدگاه بیشتر فعالیت یک سازمان حقوق بشری معطوف نقض است و فعالیت خود را بر هر دو طرف (قربانی و ناقض) معطوف می کند.

اما در دیدگاه دوم یعنی دیدگاه پیش کنشی در عین حال که یک نگرش پیشگیرانه وجود دارد، فعالیت سازمان به سمت تحقق حقوق است و عین حال که از بروز موارد نقض حقوق بشر پیشگیری می کند، بیشتر بر 'برنامه ریزی' برای تحقق حقوق فعالیت

می‌کند. در این حالت، ایجاد حساسیت لازم و افزایش آگاهی از طریق ارائه آموزش‌های لازم و به کارگیری روش‌های مناسب جلب حمایت مردمی در دستور کار سازمان حقوق بشری قرار می‌گیرد.

معمولاً در برنامه ریزی‌های توسعه دیدگاه‌های واکنشی متمرکز بر موارد نقض حقوق بشر از این جهت اهمیت دارد که به عنوان یک معیار تشخیص بر سازوکار مؤسسات دولتی نظارت می‌کند و آن دسته از الگوهای ضعف نظام مند مؤسسات دولتی را که نیازمند اصلاح هستند مشخص می‌کند.

در دیدگاه بیش‌کنشی، چنانکه گفته شد ترویج آگاهی در باره حقوق بشر از طریق به کارگیری روش‌های مختلف آموزشی (مستقیم و غیرمستقیم) و تقویت سازوکارهایی برای حمایت از حقوق بشر مانند به کارگیری رویه‌های مقتضی قضایی و افزایش دسترسی مردم به عدالت، تقویت کمیسیون‌های ملی حقوق بشر (مانند کمیسیون حقوق بشر اسلامی) و ایجاد نهادهایی در مجلس شورای اسلامی و توان افزوده رسانه‌ها در پرداختن به مباحث برنامه ریزی مبتنی بر حق مداری در اولویت قرار دارد.

علاوه بر این در دیدگاه بیش‌کنشی، تحقق و تکمیل حقوق بشر به واسطه اجرای برنامه‌های توسعه در بخش‌هایی که لزوم برنامه ریزی توسعه در آنها احساس می‌شود مانند بهداشت و آموزش و کاهش فقر در دستور کار قرار می‌گیرد. در این حالت بحث توانمندسازی به ویژه افزایش دسترسی و اختیار افراد و به طور خاص زنان به منابع و قدرت در دستور کار قرار دارد.

حقوق بشر در مظان اتهام

با این وجود در باره حقوق بشر بسیار گفته شده است که این نظام ارزشی غربی است و زائده نظام سرمایه داری غربی است. به نظر می‌آید که در این مجال نتوان این بحث را باز کرد و به ابعاد آن پرداخت. اما در یک موضوع که حقوق بشر اصولاً نظام ارزشی برای کنترل دولت‌ها است شکی نیست. پدیده دولت مدرن برای خود نظام ارزشی و سازوکاری به وجود آورده است تا خود را کنترل کند. کسانی که اولین بار اعلامیه جهانی حقوق بشر را نوشته اند نمایندگان دولت‌ها بوده‌اند. همچنین

در این موضوع که سال ها غربی ها از حقوق بشر و بویژه حقوق مدنی و سیاسی برای اعمال فشار و گرفتن امتیاز از این یا آن ملت استفاده کرده اند شکی وجود ندارد. با این وجود باید پذیرفت که وجود این استاندارد بین المللی به کنترل بیشتر رفتار دولت ها انجامیده است. پیروزی سیاهان در آفریقای جنوبی، استعمارزدایی در اقصی نقاط دنیا و تغییر رفتار بسیاری از دولت های سرکوبگر و نیز تلاش گسترده جامعه مدنی در بسیاری از کشورها و ورود یک رویکرد انسان محور در توسعه پایدار واقعیت هایی است که هیچ کس نمی تواند منکر آنها شود. شاید به عبارتی بتوان گفت که مشروعیت حقوق بشر برخاسته از مشروعیت تقاضاهای انسانی برای ایجاد یک وضعیت بهتر است. در واقع حقوق بشر به این ترتیب فقط یک نظام حقوقی صرف در سطح جهانی نیست بلکه مجموعه ای مطالبات انسانی است که واقعیت دارند. هیچ کس از شکنجه شدن لذت نبرده است که بگوید شکنجه خوب است. شکنجه مورد تنفر است چون رهایی از آن یک مطالبه انسانی است.

از سوی دیگر جهان شمولی حقوق بشر به واسطه وجود فرهنگ های متفاوت در جهان زیر سوال است. معتقدان به نسبیت گرایی فرهنگی بر این باورند که ارزش های جهانی حقوق بشر در عمل جهانی نیستند زیرا این فرهنگ ها هستند که نظام ارزشی را در هر جامعه می سازند و فرهنگ ها در برخی از نقاط دنیا ارزش هایی را تجویز می کنند که با نظام ارزش های حقوق بشر متفاوت است. بحث در خصوص این موضوع هنوز در حوزه تفکری حقوق بشر باز است. از نظر نویسنده این کتاب، آنچه بیش از هر چیزی مهم است پذیرش این اصول است: جهان شمولی واقعی است که جهان به سمت آن پیش می رود. حتی ادیان هم جهان شمولی را تجویز کرده اند. دوم اینکه برای رسیدن به اصول جهان شمول باید تنوع فرهنگی را به رسمیت شناخت. نکته سوم اعتقاد به گفت و شنود و فرآیند آن است، اینکه گفت و شنود همان مسیری است که باید به سمت جهان شمولی پیمود تا انسان ها به هم نزدیک شوند. جهان شمولی، تنوع فرهنگی و گفت و شنود سه موضوع مهمی است که امروزه توجه بسیاری از متفکران را به خود جلب کرده است و همچنان ادبیات گسترده ای در جهان در این خصوص در حال تولید است. در کنار همه این مباحث تئوریک، واقعیت این است که در جهان بیرون حقوق انسان ها همچنان نقض می شود.

گفت و گوی سازنده

فضای حقوق بشر در سطح جهانی باید مبتنی بر گفتگوی سازنده بین دولت ها از یک سو، دولت ها و جامعه مدنی از سوی دیگر و نیز مردم و دولت ها باشد. ماهیت نظام نظارتی حقوق بشر در سطح جهانی یک ماهیت تنبیهی یا کیفری نیست بلکه اصولاً ارگان هایی شبه قضایی هستند. روح حاکم در فرآیند گفت و گو کمک کردن است و نه امتیاز گرفتن (نه به آن صورت در مذاکرات سیاسی رسم است). این موضوعی است که دولت های بزرگ باید در نظر داشته باشند که در به کار گیری یک سیاست حقوق بشری، سرانجام تغییر باید به نفع مردم باشد و نه به نفع منافع دولت های بزرگ و اساس بر استفاده از روش های مسالمت آمیز است نه خشونت. گفت و گو باید منجر به روشن شدن دامنه حقوق بشر و یافتن موارد مبهم و روشن شدن بیشتر مفاهیم باشد. با همین هدف است که در تمام اسناد حقوق بشری یک فرآیند گزارش دهی و یک سازوکار نظارتی پیش بینی شده است که مطابق با آن کشور عضو سند مربوطه لازم است که در دوره های زمانی خاص گزارشی را تنظیم نماید و سازوکار نظارتی که در چارچوب کمیساریای عالی حقوق بشر مستقر است - این گزارش را با هدف کمک به بهبود وضعیت حقوق بشر ملاحظه می کند. هدف نباید محکوم کردن باشد بلکه کمک به بهبود وضعیت است. روش جاری در بررسی این گزارش ها این است که یک گفت و گوی ثمربخش در خصوص آنچه که رخ داده است به وجود آید.



کتاب سوم برای درک بهتر رویکرد حق محوری در توسعه نوشته است. رویکردی که مبتنی بر نقش مردم و به رسمیت شناختن حقوق آنها در توسعه، مشارکت آگاهانه و موثر آنان در فرآیند توسعه، حاکمیت قانون و پاسخگویی صاحبان قدرت می باشد. در این کتاب - به دنبال ۲۲ کار گروهی کتاب اول و دوم، پنج کار گروهی پیشنهاد شده است. کار گروهی اول به دنبال این است که چگونه با یک نگرش حقوق بشری به دنبال مقصر باشیم. مقصر ممکن است که یک برنامه ریزی غلط که مبتنی بر یک نگرش حق مدارانه نیست باشد. در این کار گروهی شرکت کنندگان سه وضع مختلف را مورد بررسی قرار می دهند و نتایجی را به دست می آورند که آنان را به سمت

نگرش حق مدارانه و اهمیت برنامه ریزی سوق می دهد. فرایند تحلیل وضعیت در اینجا از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. در کار گروهی دوم شرکت کنندگان با نظارت و اهمیت آن در یک نظام حقوق بشری آشنا می شوند. کار گروهی به ترتیبی طراحی شده است که نه تنها با سازوکارهای نظارتی پیش بینی شده در کشور آشنا می شوند بلکه همچنین به نقش نظارتی (پایشی) سازمان های غیردولتی بیشتر پی خواهند برد. در کار گروهی سوم، فراگیران در کارگاه با مفهوم حق مداری در توسعه از مجرای اعلامیه حق توسعه آشنا خواهند شد. این اعلامیه به ضمیمه این کتاب آمده است و فعالیت به گونه ای طراحی شده است که مفاهیم حکومت مداری و نیز اهداف توسعه هزاره نیز در اینجا آموزش داده شود.

با این آشنایی، فراگیران در کارگاه وارد کار گروهی چهارم در خصوص برنامه ریزی می شوند. در این کار گروهی، چند ماده مهم از برنامه چهارم توسعه به آنها کمک می کند تا این برنامه را با یک نگرش حق مداری تحلیل کنند و در عین حال تأکیدی خاص بر برنامه ریزی در سطح محلی می شود. در کار گروهی پنجم، شرکت کنندگان وارد فضای غیردولتی می شوند و نه تنها با کارکرد حقوق بشری سازمان های غیردولتی آشنا می شوند بلکه پرسشنامه ای در اختیار آنان قرار می گیرد تا سازمان خود را از نگاه حقوق بشری مورد تحلیل قرار دهند.

در این کتاب دو ضمیمه وارد شده است. ضمیمه اول متن اعلامیه حق توسعه است و ضمیمه دوم متنی است در باره رابطه بین اهداف توسعه هزاره، توسعه انسانی و حقوق بشر که از کتاب گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ برنامه توسعه ملل متحد گرفته شده است.